

اینگونه قرآنپس از توضیح و تشریح جایگاه اصلی دریافت کننده‌ی خویش، شرح کارهایی را که ایشان برای انجام آنها فرستاده شده بودند بیان میدارد. این کارها عمدتاً به دو بخش تقسیم میشوند. یکی بخش آموزشی و دیگری بخش عملی.

شرح مسؤلیت های آموزشی آنحضرت ﷺ:

۱- تلاوت آیات، تزکیه نفوس و تعلیم کتاب و حکمت: ﴿لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِن كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾ آل عمران: ۱۶۴
(یقیناً خداوند بر مؤمنان منت نهاد، بدانگاه که در میان آنان از خود شان ر سولی فر ستاد که به آنان آیات او را میخواند. ای شانرا تزکیه میکرد و بدیشان کتاب و حکمت می آموخت. هر چند که پیش از آن در گمراهی آشکار بودند.)

و مراد از تلاوت آیات، رساندن عین ارشادات و فرامین جناب باری تعالی است. و مراد از تزکیه نیز این است که زندگی و اخلاق مردم را از صفات بد و رسوم و روشهای زشت تطهیر، و در آنان اوصاف نیکو، اخلاق پاکیزه و روشهای درست و سالم پرورش یابد. تعلیم کتاب و حکمت این است که مراد و مفهوم صحیح کتاب الله تفهیم و در آنان بصیرتی ایجاد شود که به روح واقعی پیام الله ﷻ برسند. و به آنان آن حکمتی آموخته شود که بتوانند تمام ابعاد گوناگون گسترش پذیر زندگی خویش را با کتاب الله هماهنگ نمایند.

۲- تکمیل دین: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ المائدة: ۳

«روز «خطبه ی حجة الوداع» من دین شما را کامل نمودم، بر شما نعمتم را تمام کردم و برای شما اسلام را به عنوان روش زندگی پسند نمودم»

و به عبارت دیگر، فرستنده قرآن صرفاً به اخذ این خدمات از دریافت کننده آن بسنده نکرد که ایشان آیاتش را تلاوت کند، نفوس را تزکیه نماید و به آموزش کتاب و حکمت بپردازد؛ بلکه او بوسیله همان بنده صالح خویش کار دین را به پایه تکمیل رساند. آیاتی را که باید برای بشر فرستاده میشد بوسیله او فرستاد. انحرافات که اصلاح زندگی بشر از آنها منظور نظر بود همه اش را به دست او انجام داد.

خوبی هایی که با شأن و شیوه خاصی میبایستی در افراد و جامعه شکوفا میشد، بهترین نمونه اش را تحت راهنمایی او ارائه داد و تعلیم و آموزش را از کتاب و حکمت بوسیله ایشان اجرا کرد که بتوان در تمام اعصار بعدی، زندگی انسانرا طبق مقصود کتاب پایه ریزی و بنا کرد.

۳- توضیح و تشریح ماهیت و حقیقت تمام اختلافاتی که در رابطه با اصل دین در میان پیروان انبیای گذشته به وجود آمده بود و کنار زدن همه عده ها، تکاندن همه آمیزشها، از بین بردن تمام پیچیدگی ها و نمایان واضح و روشن راه راستی را که پیرویش همواره تنه راه رسیدن به رضای خدا ﷻ بوده است به ارمغان آورده.

﴿تَاللَّهِ لَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَرِيقًا مِّنَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَلَهُمْ فَعُوًّا وَلِيَهُمُ الْيَوْمَ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ وَمَا أَرْسَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ النحل: ۶۳-۶۴

«به خدا سوگند، ما به سوی ملتهای مختلف پیش از تو (پیغمبرانی) فرستادیم، ولی بعد از آن شیطان اعمال (زشت) ایشانرا در نظر شان آراست. چنانچه امروز او سرپرست ایشان شده است و آنان مستحق عذاب دردناکی گشته اند. ما کتاب را بر تو نازل نکرده ایم مگر بدان خاطر که آن حقیقتی را برای مردمان بیان و روشن نمایی که در آن اختلاف دارند. و برای اینکه این کتاب هدایت و رحمتی باشد برای مؤمنان.»

﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِّمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ المائدة: ۱۵-۱۶

(ای اهل کتاب! پیغمبر ما (محمد) به سوی شما آمده است. بسیاری از چیزهایی را برای تان روشن میسازد که از کتاب (تورات و انجیل) پنهان نموده اید و از بسیاری چیزها صرف نظر میکند. از سوی خدا نوری و کتاب روشنگری به پیش شما آمده است. خداوند آن کسانی را که راه های امن و امان هدایت میکنند که جوای خوشنودی او باشند و بامشیت و فرمان خود، آنانرا از تاریکی های (کفر و جهل) بیرون می آورد و به سوی نور (ایمان و علم) میبرد و ایشانرا به راه راست رهنمون میشود.)

۴- بيم دادن نافرمانان، مژده دادن مؤمنان به رحمت الهی و گسترش دين خدا: ﴿يَأْتِيهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا وَدَاعِبًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا﴾ الأعراف: ۴۵ - ۴۶

(ای پیغمبر! ماترا به عنوان گواه و مژده رسان و بيم دهنده فرستادیم و به عنوان دعوت کننده به سوی خدا طبق فرمان الله و به عنوان چراغ تابان).

مسئولیت های عملی آنحضرت ﷺ:

وظایفی که در رابطه به زندگی عملی و شئون آن، به عهده رسول الله ﷺ گذاشته شده بود بدین شرح است:

اول: امر کردن به نیکی، نهی نمودن از بدی، تعیین مرزهای حلال و حرام، آزاد کردن بشر از قیودی که جز خدادیگران و وضع کرده بودند، و سبک نمودن بارهای که آنان به دوش بشر گذاشته بودند. ﴿يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَاَلَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ الأعراف: ۱۵۷

(او پیغمبر) آنانرا به کار نیک دستور میدهد، از کار زشت باز میدارد، پاکیزه هارا برایشان حلال مینماید و ناپاکیها را بر آنان حرام میسازد، و فرو می اندازد از آنان بارهایی را که تحت فشار آن بودند، و بدر می آورد بند و زنجیر هایی را که گرفتارش بودند، پس کسانی که به او ایمان بیاورند و از او حمایت کنند و وی را یاری دهند و از نوری پیروی کنند که همراه او نازل شده است بیگمان آنان رستگار اند).

دوم: داوری میان بندگان خدایه حق و داد: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُنْ لِلْخَائِبِينَ حَصِيمًا﴾ النساء: ۱۰۵
(ای محمد!) ماهمراه حق این کتاب را بر تو نازل نمودیم، تا شما طبق قوانینی که خداوند ﷻ ارائه داده است میان مردم داوری کنی و مدافع خایبان باش).

سوم: دین خدا را چنان پیاده نمودند که تمام شئون زندگی بشر تابع آن باشد. و تمام روشهای دیگر در مقابل آن مغلوب شوند! ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظَاهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾ الفتح: ۲۸
ترجمه: (خداوند ﷻ آن ذاتی است که فرستاد پیغمبر ﷺ را برای هدایت و رهنمائی مردم به راه راست و دین حق تا اینکه واضح و روشن و پیروز گرداند دین اسلام را بر تمام ادیان دیگر).
اینگونه این بخش از مسئولیت پیغمبر ﷺ تمام ابعاد (سیاست، قضاء، اصلاح، اخلاق و تمدن و بنیانگذاری فرهنگ صالح سالم و سازنده بشریت را دربر میگیرد).

جهان شمول و جاودانه بودن دعوت حضرت رسول گرامی ﷺ!

این کار و دعوت محمدی ویژه قوم، منطقه و یازمان خاصی نبوده بلکه برای عموم بشر و تمام زمان هامیبا شد: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَلِمَةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ سبأ: ۲۸

(ای محمد!) ماترابه عنوان مژده رسان و بيم دهند هبرای تمام مردمان فرستادیم ولی اکثر مردم بی خبراند) و ﴿قُلْ يَأْتِيهَا النَّاسُ إِلَىٰ رَسُولِ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَأَمَّا إِلَهُ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَتِهِ وَأَتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾ الأعراف: ۱۵۸

(ای پیغمبر!) بگو: من فرستاده خدایه سوی جملگی شما هستم، خدایی که آسمانها و زمین از آن اوست، جز او معبودی نیست: اوست که می میراند و زنده میگرداند، پس ایمان بیاورید به خدا و فرستاده اش، آن پیغمبر درس نخوانده ای که ایمان به خدا و سخنهایش دارد، از او پیروی کنید تا هدایت یابید).

﴿وَأَوْحَىٰ إِلَيْكَ هَٰذَا الْقُرْآنُ لِأُنذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ يُلْعَ﴾ الأنعام: ۱۹

(وای پیغمبر بگو: این قرآن بسوی من وحی شده است تا بوسیله آن شمارا متنبه سازیم و آن شخص را که این (قرآن) بدو برسد).

﴿إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَفِيمَ﴾ التکویر: ۲۷ - ۲۸

(این قرآن جز بندگان و اندرز جهانیان نیست، برای کسانی که بخواهند در ست رادریش بگیرند) و ختم نبوت یکی دیگر از ویژه گی های نبوت محمدی است آنطوریکه قرآن بمامیگوید، این است که سل سله نبوت و رسالت با او خاتمه پیدانموده و بعد از وی جهان نیازه پیغمبر دیگری ندارد: خداوند ﷻ میفرماید: ﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَٰكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ﴾ الأعراف: ۴۰
(و محمد پدر هیچ یک از مردان شما نبوده، بلکه فرستاده خدا و آخرین پیغمبر است) در اصل این امر نتیجه ای حتمی و گریز ناپذیر جاودانگی، جهانشمول بودن و تکمیل دین است، چرا که بنابر ارشادات قرآن که شرح آن گذشت، نبوت و رسالت محمدی برای همه جهانیان است نه ویژه قومی و برای همیشه است نه زمان خاص، و نیز به وسیله ای ایشان کار و هدفی که دلیل و علت آمدن انبیاء بود به پایه اکمال رسید، لذا به پایان رسیدن سل سله نبوت با ایشان کاملاً معقول، منقول و منطقی است. این

موضوع را خود حضرت محمد رسول الله ﷺ در حدیثی بابهترین اسلوب، بسیار روشن بیان کرده است و میفرماید: مثال من و پیامبران به شخصی میماند که ساختمان بسیاری بپای بنابر کرده است و تمام کارهای ساختمانی آنرا به اتمام رسانده و فقط جای یک آجر را خالی گذاشته است، و تمام کسانی که در اطراف آن به گشت و گذار میپرداختند، آنجای خالی آنان را آزار میداد و میگفتند اگر این آجرین آجر نهاده میشد ساختمان کاملاً به پایان میرسید. پس آن آجرین آجر که جای خالی بود من هستم. اکنون پس از من پیامبری نخواهد آمد. این مثال بانهایت وضوح دلیل ختم نبوت را روشن میکند و میفهماند چون پس از اینکه دین به پایه تکمیل رسید، آیات الهی با کمال روشنی بیان شدند و امر و نهی، عبادات، اصول تمدن و مسایل اجتماعی، سیاست و نحوه ای حکومت خلاصه در رابطه با تمام ابعاد زندگی بشر دستورات و رهنمودهای کاملی بیان شده، کلام خداوند ﷻ و اسوه حسنه ای رسول الله به گونه ای عرضه شده که از هر گونه تحریف و تلبیسی پاک است و در هر زمانی میتوان از آن هدایت و راهنمایی حاصل نموده و دیگر نیازی به نبوت باقی نماند، صرفاً نیاز تجدید و تزکیه نفس باقی میماند که برای آن حمایت علمای حق خواه و حقیق و مؤمنین و مخلصین و صادقین راه تأمین حق و تطبیق عدالت کافی است. در نتیجه کلام، ای انسان و مسلمان آگاه باش که در دادگاه آخرت با مدارک و شواهد غیر قابل انکار، اعمال ما از سانهائات خواهد شد چنانچه قرآن به صراحت بیان داشته است که خداوند ﷻ در روز ستاخیز صرفاً بر اساس علم و آگاهی خویش قضاوت و داوری نخواهد فرمود. بلکه از اعمال هر شخص یادداشت برداری بی نهایت دقیق، مفصل و کامل انجام میدهد. و در دادگاه الهی برای اثبات اعمال انسانها شواهد و مدارکی ارائه خواهد شد که انکار کردن شان به هیچ وجه ممکن نخواهد بود. زیرا آنچه انسان در این آزمونگاه انجام میدهد خداوند ﷻ مستقیماً از آن آگاه حتی افکار و نیات قلبی او از خداوند متعال پنهان نیست لذا در روز حسابرسی انسان با خدایی سروکار خواهد داشت که از کل کارنامه ای حیات مان با خبر است. ﴿وَأَسْرَأُ قَوْلَكُمْ أَوَجْهُرًا بِوَيْبَةٍ إِنَّهُ عَلَيْهِمُ الْعَذَابُ﴾ الملک: ۱۳

(چه سخنان خود را آهسته گوید و مزه کند و چه بلند گوید و آشکارا سازید برای خدایکسان و عیان است) (چرا که او کاملاً آگاه، از اسرار و خفایای سینه هاست). و همچنین شواهد و مدارکی ارائه میشود: ﴿إِذْ يُلْقَى الْمُتَلَقِيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَيْدًا مَّا يَلْفُظُونَ قَوْلًا إِلَّا لَدَيْ رَقِيبٍ عَتِيدٍ﴾ ق: ۱۷-۱۸

(دو فرشته نویسنده به سمت راست و چپ او حضور دارند هر چیزی را ثبت و ضبط میکنند انسان هیچ سخنی را بر زبان نمی راند مگر آنکه فرشته ای مراقب و آماده (برای دریافت و نگارش) آن سخن است) یعنی از یک سو الله ﷻ مستقیماً از حرکات و سکنتات و حتی افکار و اقوال ظاهری و نیات باطنی مان آگاهی دارد. و از سوی دیگر بر هر انسانی دو فرشته هم گمارده شده است. و آنها تک تک اعمال مان را یادداشت میکنند و از ثبت و ضبط هیچ قول و فعل از سان دریغ نمی ورزند. پس هنگامیکه ای انسان مسلمان و معتقد در دادگاه الهی، در روز ستاخیز احضار میشود و خداوند ﷻ مستقیماً آگاه و علم میدارد که چه کسی و با چه عملی بحضور آمده ای و برای شهادت و اکتشافاتی که در این عصر رشد و تکامل تکنولوژی به ظهور رسیده است. تقریباً به یقین میتوان گفت: فضایی که انسان در آن زندگی میکند و به فعالیت میپردازد، صداهای او، تصاویر او و نقوش همه ای حرکات و سکنتات او ذره ذره در این فضائیت و ضبط میشوند، به نحویکه ارائه ای مجدد همه ای آنها بعینه به همان شکل قبلی، به گونه ای که در میان اصل و نقل اصلاً تفاوتی وجود نداشته باشد. ممکن بوده و امروز انسانها این کار را در سطح بسیار وسیع به کمک آلات و ابزار انجام میدهند. اما فرشتگان خدا ﷻ نه به این ابزار و آلات نیاز دارند و نه محدودیتی دارند. جسم خود انسان و هر چیزی که در اطراف او قرار دارند. میتوانند به عنوان ابزار ضبط کننده و تصویر برداری این فرشتگان قرار گیرند که هر صدا و تصویر انسان را با حساس ترین جزئیات آن بعینه روی آن ثبت و ضبط کننده آنان خواهند توانست روز قیامت سخنان انسان را در دنیا با گوش های خودش و با صدای خودش به سمع او برسانند. و میتوانند با چشمهای خودش تصاویر زنده ای از همه ای کارهای انسان به نحوی ارائه دهند به نحویکه انکار کردن صحت آنها برایش اصلاً ممکن نباشد.